

الگویابی فرم مساجد ایران مبتنی بر تحلیل عوامل تأثیرگذار بر آن

فائزه قلیزاده*: گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران

fzj.gholizade@gmail.com

سید محمد رضا فاروقی: استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، ایران

faroughi@guilan.ac.ir

چکیده

ضرورت نوآوری به جهت اجتناب ناپذیر بودن تحولات در جوامع بشری، از موارد مهمی است که باید مورد توجه واقع گردد؛ زیرا تحول راز ماندگاری و پیشرفت بشر است. در این میان معماری مسجد نیز باید جایگاه خود را در دایره نوآوری مشخص نماید زیرا مساجد و امور مربوط به آن در صورت کناره‌گیری از تحول موجب منزوی شدن خواهد شد. الگوبرداری صحیح از طراحان و معماران گذشته، یکی از راه‌های نوآوری فرمی متناسب با زمان و مکان امروزی است. از آنجاکه فرم مساجد در گذشته و رسالت آن در ایفای وظایف و اهداف هنرهای اسلامی به خوبی مشهود است؛ بررسی عوامل تأثیرگذار بر فرم مساجد در معماری قدیم، در شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرم مساجد امروزی ضرورت می‌یابد. اطلاعات مورد نیاز در پژوهش حاضر که با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیقات تاریخی-تفسیری را دستور کار خود قرار داده است، به صورت اسنادی - کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده است. پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون به عامل‌های جنسیت، میزان تحصیلات و سن افراد در خصوص تأثیرگذاری بر پذیرش طرح نوآورانه در مساجد توجه نموده و یا ویژگی‌های عناصر مساجد را شرح داده و به تحلیل معانی و قداست در عناصر مساجد پرداخته است؛ اما نوآوری پژوهش حاضر با توجه به خلأ مطالعات موجود، نشان می‌دهد که عواملی همچون روح هنرمند یا طراح، توجه به فرهنگ و پاسخگو بودن آن به نیازهای انسانی، تکنولوژی و پیشرفت‌های ساخت‌وساز و مصالح، زیبایی ظاهری و زیبایی باطنی (عرفان آثار هنر اسلامی)، تناسب و دورنماها در مناظر شهری به عنوان عامل‌های مؤثر دیگر نیز شکل و فضای معماری مسجد را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. عوامل مذکور تنها به اشکال و صور ظاهری محدود نمی‌گردد؛ بلکه علاوه بر ظاهر، در بطن اشکال مساجد نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند که شناخت و بررسی آن مؤلفه‌ها ما را بر نوآوری در معماری مساجد امروزی متناسب با فرهنگ جامعه یاری می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: معماری مسجد، تحلیل فرمال، فرم مساجد، شاخصه‌های مؤثر بر فرم مساجد، الگویابی فرمال

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امروزه چالش اصلی به خصوص در مورد بنای مساجد، تعیین تکلیف اصلی‌ترین باره‌ی آن یعنی فرم آن است. مسجد باید خلوتی را برای حضور انسان و زمینه‌ای برای تأمل او در معنای هستی فراهم آورد و جایگاهی برای انعکاس نور الهی و تجلی حضور در ساحتی مقدس باشد (مجتهدزاده و نام‌آور). این امر منجر شد معماری مساجد در طول تاریخ همواره مورد توجه قرار گیرد؛ اما صورتی که امروزه از معماری مساجد ارائه می‌گردد به دلیل استفاده‌ی نابجا و نامتناسب از عناصر سنتی، کسل‌کننده و بدون خلاقیت بوده و یا در صورت به‌کارگیری خلاقیت بدون توجه به سنت، بی‌هویت قلمداد می‌گردد. استفاده از فرم‌های قدیمی برای نیازهای امروزه، بدون توجه به الزاماتی که تحول پدید می‌آورد، سبب گشته است که اغلب نوآوری‌ها با عدم پذیرش و یا انتقاد از سوی مردم و متخصصین مواجه شود، همچنین احتراز از نوآوری به بهانه احترام گذاشتن به سنت، سبب دوری از روح زمان می‌شود. خلاقیت و تنوع از خصوصیات هنر است، بنابراین نگرش نو به عناصر اصلی مسجد می‌تواند جایگاه موجهی داشته باشد.

نگرش نو با شناخت معماری اسلامی گذشته همراه است؛ البته باید متذکر شد که سعی در شناخت گذشته، به معنی بازگشت به سوی آن نیست، بلکه، معماری که در طول تاریخ و به تدریج شکل گرفته در واقع مسیر طی شده‌ای است که می‌تواند در هدایت آثار معماری معاصر سودمند واقع شود. به نظر می‌رسد تحول و نوآوری با توجه به میزان پذیرش آن در جامعه متغیر است؛ زیرا بشر امروز با عناصر سنتی مسجد که هر کدام دارای معنا و مفاهیم عرفانی بوده است، احساس تعلق و وابستگی می‌نماید؛ بنابراین باید به حدود تغییرات و مرز نوآوری در معماری مسجد در هر جامعه‌ای توجه شود.

پروژه‌ی حاضر درصدد پاسخ‌دهی به سؤال فرم مناسب امروزی که حاوی ارزش‌های نمادین و بصری باشد، برآمده است تا با بررسی فرم معماری مساجد و مطالعات ناشی از سیر تحولات آن از طریق پیشینه‌های تحقیق مرتبط، به عوامل تأثیرگذار بر فرم معماری مساجد در قدیم و شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرم مساجد امروزی دست یابد. بر این اساس شناخت مؤلفه‌های مذکور به همراه سنجش و ارزیابی آن مؤلفه‌ها از دیدگاه مردم، طراحی را به سمت نوآوری متناسب با فرهنگ جامعه یاری می‌نماید. این نوع نگرش از معماری مسجد، به ارائه‌ی راهکارهایی جهت طراحی مسجد می‌پردازد که ضمن بهره‌گیری از نوآوری، به میزان پذیرش آن توسط جامعه‌ی مورد پژوهش نیز توجه خواهد داشت.

پیشینه تحقیق

بررسی تحقیق‌های انجام‌شده می‌تواند گزارش‌های گوناگون و متنوع پژوهشی، نوشته‌های آرشیو کتابخانه‌ها، مراکز پژوهشی سازمان‌ها و دانشگاه‌ها را جمع‌آوری نموده؛ بر این اساس ترکیبی از نتایج و استفاده از پژوهش‌های انجام‌شده‌ی پیشین، به‌عنوان واحد تحلیل برای کسب تصویری کلی و شفاف از شاخصه‌های تأثیرگذار بر معماری مساجد مؤثر واقع می‌گردد. بورکهارت خصوصیات و ویژگی هنر اسلامی و سرچشمه‌ی آن را برگرفته از روح اسلامی می‌داند و برای اثبات ادعای خود شواهدی دال بر وحدت و انطباق صورت با معنای باطنی هنر اسلامی ارائه می‌کند که مصادیق بارز آن را در معماری مکان‌های مذهبی پیدا کرده است؛ بر این اساس مهم‌ترین جنبه‌های ارزش کار بورکهارت، پایه‌ریزی نگرش معنایی به هنر ادیان الهی خصوصاً هنر اسلامی است. (سرتیبی پور، ۱۳۸۷). رضازاده (رضازاده، ۱۳۸۳)، به بررسی نقش معنا، تعلق خاطر و نوآوری به‌عنوان شاخصه‌های تأثیرگذار بر فرم مساجد ایران پرداخته است و نتایج تحقیق حاکی از آن است که در غالب موارد به‌استثنای گروه جوانان، تیپ سنتی از مطلوبیت بیشتری برای معماری مسجد برخوردار بوده است. عده‌ای از پژوهشگران (حسینی و کاملی، ۱۳۹۳) عامل قداست را با توجه به ضمیر ناخودآگاه کودکان مورد بررسی قرار داده‌اند نتیجه‌ی حاصل مبین این مطلب است که بین عناصر معماری مساجد سنتی و ذهن کودک ارتباط بسیار نزدیک و عمیقی وجود دارد. این نتیجه در مورد مساجد مدرن که سمبل‌های مساجد سنتی را ندارند، بسیار ضعیف است. همچنین رهبرنیا و رهنورد (رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵) نیز قداست را سایه و روح الهی می‌دانند که از تقدس وجود خود، در فضا، مکان، انسان و هنر قرار می‌گیرد؛ بر این اساس این که اثر هنری با ابزار بدوی و یا تکنیک‌های نوین به ثمر رسیده باشد، در بیان قدسی آن تأثیر ندارد. در این راستا مهدوی نژاد (مهدوی نژاد، ۱۳۸۱) نیز نمایه هنر اسلامی را هنر توحیدی معرفی می‌کند. از موارد گفته‌شده به اهمیت و تأثیرگذاری قداست بر فرم مساجد پی برده می‌شود.

تطبیق معماری مسجد با فرم شناسی نماز مورد مطالعه پژوهشگرانی (ایمان طلب و گرامی، ۱۳۹۱) قرار گرفته است و شاخصه تأثیرگذار بر فرم مسجد را تطبیق معماری مسجد با فرم شناسی نماز و معنای قدسی در آن مطرح می‌نمایند. نتایج پژوهش بیان می‌دارد که قرارگیری سه بخش مسجد (صحن، ایوان و گنبد خانه) در کنار حرکات آیینی نماز (قیام، رکوع و سجده) نشان از وجود ارتباطات معنایی و شکلی در کالبد معماری مسجد و نماز دارد. معنای قدسی، هندسه، نور، نمادها و رمزها، بهره‌گیری از عناصر طبیعت از شاخصه‌های تأثیرگذار بر فرم مساجد بیان شده است که حضور آن در معماری مسجد در پیام‌رسانی توحیدی مؤثر است و بستر مناسبی را برای درک مخاطب و تبلیغ اندیشه معنوی مهیا می‌سازند (کاظمی و کلانتری خلیل‌آباد، ۱۳۹۰). بمانیان و امینی (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰)، تعادل را لازمه فرم معماری مسجد مطرح می‌کنند و مؤلفه‌هایی از قبیل تقارن، تناسب و مقیاس، سلسله‌مراتب، ریتم، مصالح همگن و سازه را مؤثر در شکل‌گیری تعادل می‌دانند. تحقیقات دیگری (فلاح، ۱۳۸۴) نشانه‌های کالبدی، طرح معماری و فعالیت‌ها را از شناسه‌های مهم تعریف‌کننده مسجد معرفی می‌کنند؛ که مساجد سنتی با داشتن نشانه‌های بیشتر، معمولاً حس مکان غنی‌تری را در نمازگزاران به وجود می‌آورند و مساجد نوآورانه با داشتن امکانات بیشتر و مدیریت بهتر فعالیت‌ها، موجب تقویت حس مکان می‌گردد. بر این اساس دو مقوله‌ی نشانه‌ها و فعالیت‌ها را شاخصه‌ی تأثیرگذار بر فرم مساجد می‌دانند. «سلسله‌مراتب محرمیت» در مساجد ایرانی نیز از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر فرم مساجد شناخته‌شده است؛ محمدیان (محمدیان منصور، ۱۳۸۶) معتقد است که «سلسله‌مراتب محرمیت» در مساجد ایرانی، احساس قرار گرفتن در ساحتی دیگرگونه را برای مخاطب تشدید می‌نمایند و در جریان سلوک و انتقال مخاطب از ساحتی به ساحت دیگر دخیل و مؤثرند. همچنین در تحقیقاتی دیگر (حجازی و مهدیزاده سراج، ۱۳۹۳) عامل‌هایی از قبیل سبک و فرهنگ زندگی کاربران و داده‌های اقلیمی محیطی نیز جز شاخصه‌های تأثیرگذار بر فرم معماری مساجد شناخته‌شده است. به‌طور کل در طراحی مساجد امروزه توجه به استانداردها و سرنانه، تعداد جمعیت و اختصاص مترای تعیین‌شده برای کارکرد، سبزه ضوابط اسناد بالادستی، بر خلاقیت و کاربرد مفهوم در طراحی غلبه دارد. پژوهش‌های انجام‌گرفته تاکنون به بررسی عامل‌های جنسیت، میزان تحصیلات و سن افراد در خصوص تأثیرگذاری بر پذیرش طرح نوآورانه در مساجد توجه نموده و یا ویژگی‌های عناصر مساجد را شرح داده و به تحلیل معانی و قداست در عناصر مساجد

پرداخته است. پژوهش حاضر با توجه به مطالعات فرا تحلیل از منابع کتابخانه‌ای و استخراج مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌ها، شاخصه‌های تأثیرگذار در طراحی مساجد را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

روش تحقیق

این مقاله بر اساس روش تحقیق تاریخی - تفسیری تدوین و اطلاعات مورد نیاز به شیوه اسنادی - کتابخانه‌ای و نیز مشاهده میدانی جمع‌آوری شده است. بر این مبنا مقاله به توصیف محتوای کیفی عوامل مؤثر بر فرم معماری مساجد پرداخته است. پژوهش حاضر جنبه تفسیری داشته و در آن تلاش گردیده است تا با مروری بر معماری مساجد تاریخی گذشته، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرم معماری مساجد را جستجو نماید و در معماری مساجد امروزی تطبیق دهد. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش مطالعات کتابخانه‌ای است. به منظور دستیابی به ادبیات موضوع و مبانی نظری در خصوص مؤلفه‌های ذکر شده، از مطالعات مندرج در کتب، مقالات و اسناد معتبر استفاده شده است. همچنین با روش مشاهدات میدانی از مساجد حال و مساجد گذشته، به تحلیل مؤلفه‌های به دست آمده پرداخته شده است.

مبانی نظری

کلیاتی در باب شاخصه‌های مؤثر بر فرم معماری مساجد

مسجد به‌عنوان مکانی مقدس که عمده فعالیت آن عبادت و انجام تشریفات دینی می‌باشد، نمودی از فضای مقدس و معنوی است و معماران با بینش ارزشی و ارمان‌گرا، در طول تاریخ سعی نموده‌اند که این تقدس را به روش‌های گوناگون به مخاطبان القا نمایند. به بیانی دیگر معماران مساجد همواره سعی داشته‌اند که در کنار ساختار و کالبد ظاهری مسجد به‌عنوان یک مکان، به آن روح و تقدس بدهند (حق‌طلب و کاروان، ۱۳۹۱: ۲۱). معمار صرف‌نظر از اشکال بناها می‌بایست به مناسبات درونی مساجد و وظایف هنر اسلامی توجه نماید؛ زیرا اشکال کالبدی «هیچ محدودیتی در آن نیست و هیچ اسلوب خاصی در منابع دینی برای آن پیش‌بینی نشده است» (نوحی، ۱۳۸۸: ۲۷۲). بر این اساس توجه بیش‌ازاندازه به الگوها و فرم‌های سنتی به‌عنوان نماد اسلامی بودن؛ معماری اسلامی را - که معماری پویا و پایبند به اصول است - منجمد خواهد کرد و رسالت معماری و هنر اسلامی را نادیده می‌گیرد. معماری اسلامی گذشته‌ی ایران - برگرفته از چهار عامل معنا، زیبایی، شکل و سازه است. با ترکیبی متناسب از آن‌ها معمار سنتی قادر است نقشی از جهان معنا را در عالم مادی متجلی سازد. وجود ارتباط منطقی بین این عوامل دلیل درخشش معماری ایران در دوره‌ی اسلامی است (حجازی و مهدی زاده سراج، ۱۳۹۳: ۷) عوامل دیگری همچون عوامل تاریخی، فرهنگی، انسانی، اقتصادی، اقلیمی و محتوایی، بر فرم مساجد تأثیرگذار بوده که به‌مرور زمان فرم مساجد شکل گرفته بر اثر این عوامل، به هویتی از مسجد تبدیل شده است. آنچه اهمیت دارد، این است که بتوان نقش کالبدی، مردمی و فرهنگی مساجد را در ساختار شهر به رسمیت شناخته (نوحی، ۱۳۸۸: ۲۸۲) و اهداف هنر و معماری اسلامی را در آن تجلی ساخت. هنرمند و معمار موظف است معانی متعالی را در هنر خویش بیان کند. تا مخاطب با عبور از صورت‌های ظاهر به حقیقت مستتر در نمان صورت پی برد (حجازی و مهدی زاده سراج، ۱۳۹۳: ۹). عوامل تأثیرگذار بر معماری مساجد، تنها به اشکال و صور ظاهری آن محدود نمی‌گردد؛ بلکه عوامل مذکور علاوه بر توجه به‌ظاهر، به باطن و محتوای اشکال مساجد نیز توجه می‌نماید. اگر این عوامل را در دسته‌بندی‌های خود قرار دهیم، به متغیرهایی دست می‌یابیم که به‌عنوان عامل‌های اصلی در طول تاریخ مدنیت، شکل و فضای معماری مسجد را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. با توجه به مطالعات انجام‌شده، به نظر می‌رسد این عامل‌ها شامل: روح تاریخی و فرهنگ جامعه و مناسبات اجتماعی، روح هنرمند یا طراح، ابزار تولید و زیربنای اقتصادی، نظام ساخت و فناوری، سرزمین و اقلیم (نوحی، ۱۳۸۸: ۲۰۱)، دورنمای شهری، نیازهای انسانی، معنا و مفاهیم عرفانی و قدسی است که در ادامه به بررسی و میزان تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها با توجه به نظرات متخصصین پرداخته می‌شود.

روح هنرمند یا طراح

حداکثر معمار باید واجد قابلیت‌هایی از قبیل انسان‌شناسی^۱، محیط‌شناسی^۲ و آفرینندگی^۳ باشد. بر این اساس می‌بایست ابعاد وجودی انسان را بشناسد، محیط‌شناس باشد و عوامل احاطه‌کننده و تأثیرگذار بر انسان را اعم از طبیعی و ماوراء طبیعی را بشناسد و نیز توانایی‌های گزینش مفاهیم مطلق طراحی برای برقراری رابطه‌ی مطلوب بین انسان و محیط را داشته باشد (پوستین‌دوز، ۱۳۷۴: ۹)؛ زیرا ذوق و استعدادهاى شخصى هنرمند یکی از عواملی است که در پردازش و پیدایش فرم مؤثر واقع می‌گردد. عده‌ای طراحی معماری را مانند فرایند حل مسأله‌ی ریاضی تلقی می‌کنند و عده‌ای دیگر آن را فرایند خلاقیت‌های هنری توأم با ماهرتهی سازمان‌یافته که واجد جنبه‌های مختلف علمی، فنی و هنری است می‌دانند. در مورد این دو روش، گفته می‌شود: «وقتی که ما به معماری و فرایند طراحی به‌مثابه حل مسأله ریاضی نگاه کنیم، قادر نخواهیم بود که با مسأله طراحی به‌خوبی برخورد کنیم [...] زیرا [طراحی معماری فرایند حل مشکلاتی است که در امور مختلف زندگی در رابطه با فضا وجود دارند و این خیلی پیچیده‌تر از فرایند حل یک مسأله ریاضی یا حتی پژوهش‌های علمی است» (نوحی، ۱۳۸۸: ۲۰۷). معمار می‌بایست فرایند طراحی را به‌مثابه فرایندی خلاقانه و با داده‌ها و اطلاعات سازمان‌یافته تلقی نماید. از آنجاکه قرآن کریم می‌فرماید مساجد باید به دست مسلمانان ساخته شود؛ در فرم معماری مساجد روح هنرمند یا طراح تأثیرگذار است و به بسته به اعتقاد و باور طراح، معماری مساجد فرم می‌گیرد.

فرهنگ جامعه؛ روح تاریخی و پاسخ به نیازهای انسانی

فرهنگ عاملی است که تمامی عامل‌های تأثیرگذار بر فرم مساجد را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد؛ بنابراین معماری متناسب با فرهنگ محیط‌مان، معماری مطلوبی است که «حداقل دستاورد آن تحول همه‌جانبه در زمینه‌ی بهره‌وری در محورهای متعدد فرهنگی (اعم از اجتماعی، علمی، هنری، اعتقادی، تاریخی، عاطفی روانی و ...) و اقتصادی جامعه است» (پوستین‌دوز، ۱۳۷۴: ۵). با ورود اسلام فرهنگ جامعه با حفظ ویژگی‌های تاریخی و سرزمینی، از دین اسلام تأثیر بسیاری پذیرفت که این تأثیرپذیری و فرهنگ به وجود آمده در جامعه سبب تغییر در فرم معماری بناها به‌ویژه بناهای مذهبی گردید؛ زیرا «معماری قسمت قابل‌توجهی از فرهنگ جامعه

¹. anthropology

². Ecology

³. Creativeness

را در خود متبلور دارد [...] معماری در عمل امانت‌داری است که به هر مرتبط با خود، فرهنگ و هدایت خود را ارائه و او را متأثر نموده از جمله زمان و مکان را درمی‌نوردد» (پوستین‌دوز، ۱۳۷۴: ۴). بعد از اسلام کلیه اشکال انسانی و شبیه‌سازی از بین رفت و نقوش حیوانی و گیاهی و نقوش هندسی جایگزین آن شدند. پیش از اسلام عناصر نمادین، اسطوره‌ای و بیانگر تاریخ و شاخص‌های اجتماعی، مناسبات اقتصادی و سیاسی و روابط خانوادگی بوده است. درحالی‌که بعد از اسلام این عناصر به صورت تکرار نقوش انتزاعی با کلمات قرآنی و نام‌های دینی و اسماء الهی و عناصر مذهبی نظیر مناره، گنبد، محراب و همچنین رموز واره‌های دیگری نظیر تعداد عناصر به وجود می‌آیند؛ که جمیع این عناصر و رمز واره‌ها رمزی و تمثیلی می‌باشند (نوحی، ۱۳۸۸: ۲۲۳). بوركهارت نیز معتقد است که در سرشت هنر اسلامی باید همواره پیوند میان پیام معنوی را با پاره‌ای از میراث نژادی در نظر آوریم (بوركهارت، ۱۳۶۵: ۵۱). عوامل مختلفی بر فرم مساجد به طور عام تأثیرگذار است اما عامل میراث نژادی و فرهنگ جامعه، سبب تمایز بین فرم مساجد در ملت‌های مختلف می‌گردد. همچنین طرحی که متناسب با فرهنگ باشد معماری مطلوبی است که به تمام وجوه نیازهای انسانی نیز پاسخ می‌دهد. معماری مطلوبی که در آن «معمار ضمن در نظر گرفتن نیازها و خواسته‌های کنونی و با توجه به پیشینه‌ی تاریخی موجود در عالم معماری و جامعه‌ی موردنظر و حسب شرایط و امکانات و قابلیت‌ها، راه‌حل‌های لازم را ارائه نماید.» (پوستین‌دوز، ۱۳۷۴: ۶). بر این اساس فرم و اشکال معماری تبلوری از فرهنگ جامعه است که علاوه بر روح تاریخی؛ پاسخگوی نیازهای جامعه‌ی عصر خود باشد. به‌علاوه معماری که متناسب با فرهنگ جامعه باشد پاسخگوی مناسبی به زمان و مکان خود است. در نتیجه می‌بایست به جستجوی فرهنگ جامعه‌ی امروزه و بررسی میزان پذیرش تنوع و نوآوری در معماری مساجد معاصر از سوی مخاطبان آن بپردازیم.

عده‌ای از افراد، فرهنگ را در شکل‌های سنتی مجسم می‌کنند. درحالی‌که هر ملتی در هر زمان دارای فرهنگی است. فرهنگ کنونی جامعه‌ی ما، از فرهنگ پنجاه سال گذشته‌ی خودمان متفاوت است و درعین‌حال متأثر از فرهنگ هزاران سال پیش است. «فرهنگ کنونی ما از یک‌طرف ناشی از فرهنگ جهانی است و از طرف دیگر ناشی از گذشته‌ی تاریخی خودمان» (نوحی، ۱۳۸۸: ۲۱۱). همان‌طور که بعد از ورود اسلام به سرزمین ایران هنر و فرهنگ جامعه، مانند تمامی وجوه دیگر زندگی فردی و اجتماعی افراد، دستخوش تغییر و تحولاتی گردید. این تغییرات ضمن حفظ پاره‌ای از ویژگی‌های تاریخی و سرزمینی، از دین جدید نیز تأثیر بسیاری پذیرفت (نوحی، ۱۳۸۸: ۲۲۱). هنر مقدس در هر محیط و قومی، راه ویژه و مناسبی برای بیان ارمان و وظیفه‌ی هنر به وجود آورد (بوركهارت، ۱۳۶۵: ۱۲۷). چنانکه معماری اسلامی در تاریخ معماری اولین هنری است که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نماید و از طرف مسلمانان مورد استقبال قرار گیرد؛ بنابراین توانسته است، بخش عظیمی از خصوصیات هنر اسلامی را در بستر زمان و در طول دوره‌های گوناگون نهادینه سازد (مهدوی نژاد، ۱۳۸۳: ۵۸). چنین امری موجب گردید که سال‌ها به‌عنوان تنها هنر اسلامی به درج مفاهیم دینی و مذهبی بپردازد. بررسی مکاتب و سبک‌های مختلف منجر می‌گردد تا با توجه به نیازها و خواسته‌های مردم، میزان و حدود استفاده از این مکاتب و سبک‌ها و میزان نوآوری در آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

الف: سبک‌ها و مکاتب مختلف

تاریخ در خود مکاتب و سبک‌های مختلفی را دارد که در هر دوره نمود عینی یافته است. بعد از دوران اولیه‌ی حیات بشری، روند طراحی و پیدایش فرم طبق قواعد انجام می‌شد، در این دوران «قالب‌ها و الگوهای فضایی صوری و رسمی حاکم‌اند و سیمای فضای مصنوع نسبت به دوره‌ی بعد دارای وحدت صوری بیشتری است. در این مرحله تمایزات منطقه‌ای و محدوده‌های قومی و ملی قابل مشاهده است.» (نوحی، ۱۳۸۸: ۲۰۴) بنابراین الگوهای حاکم به‌طور تدریجی تغییر می‌کردند و به‌ندرت در یک‌زمان واحد الگوهای متنوع رایج می‌شد و آنچه به‌عنوان سبک در جامعه حاکم می‌شد، دارای جنبه‌ی آیینی و فرمال بود. این دوره برخلاف دوران مدرن است که در آن وارد قلمرو آزادی اندیشه، با سبک‌های متنوع، می‌شویم. نتیجه‌ی این آزادی اندیشه و آزادی در طراحی در دوران مدرن، ظهور اشکال متنوع و متفاوت است. به‌گونه‌ای که حتی ابنیه‌ی مذهبی طی یک سده دارای اشکال بسیار متنوعی است. اشکالی که علاوه بر تفاوت با اشکال سنتی، با یکدیگر در زمان واحد نیز تفاوت دارند. نظیر کلیسای رونشان لوکوربوزیه (نوحی، ۱۳۸۸: ۲۰۴ تا ۲۰۶).



شکل ۱- مقایسه فرم مساجد در دوره سنت و مدرن (مآخذ: نگارندگان)

این تغییرات و ظهور اشکال متنوع هیچ ارتباطی با قداست و فرهنگ ندارد و در آن معنای کالبد معماری نادیده گرفته شده است. این امر به معماری مادی و عقل‌گرا منجر گردیده است. چنین نگرشی در معماری اسلامی مساجد گذشته وجود نداشته است و معماران همواره با توجه به فرهنگ و نگرش افراد جامعه، به‌گونه‌ای طراحی می‌نمودند که احساس قداست را در مساجد برانگیزند. بر این اساس قالب‌ها و الگوهای فضایی، صوری و رسمی حاکم است و محدوده‌های قومی و ملی -به دلیل اهمیت به نیاز انسان‌ها مانند احساس تعلق، نوستالژی و ...- به‌خوبی قابل تفکیک است.

ب: نیازهای انسانی جامعه‌ی امروز در تعیین میزان نوآوری و استفاده از سبک‌های فوق

پاسخ به نیازهای انسانی یعنی توجه به تمام ابعاد وجودی انسان، از قبیل ابعاد معنوی و مادی، از ابیادهای معماری مطلوب متناسب با فرهنگ جامعه است؛ بنابراین لزوم مطالعاتی در این زمینه از اهم موضوعات به‌منظور رسیدن به اهداف پروژه است. در این بخش صرفاً به نیازهای روان‌شناختی به‌منظور پی بردن به میزان نوآوری و استفاده از سبک‌ها و مکاتب پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد ارائه‌ی عناصر و یا اشکال جدید و پیوند دادن آن در زنجیره‌ی فرایند تداعی، نیازمند آثار روان‌شناختی

و اجتماعی در جوامع امروز است. اگرچه به عقیده‌ی ایرانمنش (ایرانمنش، ۱۳۷۸: ۶۱)، به‌غیراز نمادهایی که در متن اصلی اسلام است و توسط ارکان این دین مشروعیت یافته است، جعل و تلقی نمادهای دیگر، امری است که به‌رحال خارج از صیغه و هویت اسلامی است؛ اما بشر امروز نسبت به محیط اطراف خود و نشانه‌ها احساس تعلق می‌کند که ضریب آن در جوامع مختلف متفاوت است. به نظر می‌رسد بررسی روان‌شناختی در تعیین میزان نوآوری در خلق عناصر و اشکال جدید در مساجد می‌تواند جایگاه مؤثری داشته و پاسخی به نیازهای انسانی باشد. همان‌طور که نشانه‌های کالبدی، طرح معماری و فعالیت‌ها^۱، در بین مردم از شناسه‌های مهم تعریف‌کننده‌ی مسجد می‌باشند که در این بین نشانه‌ها مهم‌ترین عامل ایجاد و تقویت حس مکان در افراد است. هر چه اختلاف میان این سه عامل کمتر باشد، حس مکان در مساجد افزایش می‌یابد (فلاح، ۱۳۸۴: ۳۵). بر این اساس به‌منظور طراحی مسجد متناسب با زمان و مکان، علاوه بر بررسی نظرات متخصصین، لازم است اطلاعات زیادی از نگرش‌ها، توقعات و ادراکات استفاده‌کنندگان از مساجد اخذ گردد.

پیشرفت جوامع مسلمین

ابزار تولید و زیربنای اقتصادی، نظام ساخت و فناوری عوامل تأثیرگذار دیگری در فرم مساجد بوده است. لذا در هر دوره با توجه به عوامل تأثیرگذار بر فرم مساجد- تکنولوژی ساخت و مصالح و عامل اقتصادی به‌عنوان یک عامل مؤثر بر آن - می‌توان در چارچوب شرع اسلامی به تغییراتی دست یافت. بورکهارت سبک مسجدهای ایرانی را گنجینه‌ای شگرف از تجربیات گذشتگان می‌داند که به بعضی شیوه‌های ساختمانی مایه گرفته از مصالح اجری و در نتیجه بهره‌گیری از طاق‌ها و گنبد‌ها به‌جای بام‌های نهاده شده بر تیر وابسته است (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۷۴). این در حالی است که معماری اسلامی گذشته‌ی ایران در هر دوره به دلیل تأثیرگذاری عوامل مختلف، از جمله تکنولوژی، ساخت و زیربنای اقتصادی نیازمند تغییراتی گردیده است؛ بنابراین عقیده بورکهارت که معماری مسجدهای ایرانی را محدود به مصالح و تکنولوژی ساخت قرار داده است، کاملاً موردنقد و بررسی قرار می‌گیرد. به‌طور مثال نخستین مساجد در ممالک اسلامی به‌صورت شبستانی ساخته شدند که معمولاً بر طبق طرح مسجدهای مدینه بود. عناصری مانند گنبد خانه و ایوان‌های بلند، به‌مرورزمان در راستای عوامل مختلفی همچون پیشرفت معماری اسلامی به طرح مساجد اضافه شدند؛ زیرا در زمان پیامبر (ص) مسلمانان ساده‌زیست و ساده‌گرا بودند و ضرورت ایجاد می‌کرد که مسجدی با اوصاف ساختمانی آن موقع ساخته شود؛ اما روزبه‌روز بر جمعیت مسلمانان افزوده شد و این موضوع ساختمان مسجدی با کیفیت معماری در مقیاس وسیع را می‌طلبید اما با هر تغییر صورت گرفته در طرح مساجد، به شرع و بنای مسجدهای نبوی توجه شده است (حق‌طلب و کاروان، ۱۳۹۱: ۲۳). معماری اسلامی گذشته ایران، با در نظر گرفتن عامل مهم شرایط زمانی و مکانی، بر این اصل استوار است که یکی از عوامل تأثیرگذار بر عناصر معماری مساجد، امکانات فن‌آوری موجود (شامل مصالح و قابلیت‌های آن، متخصصان و هنرمندان و توان علمی آنان) در هر زمان است. لذا هرگز نمی‌توان امکاناتی را که امروزه در ایجاد دهانه‌های وسیع تخت وجود دارد، نادیده گرفت و برای ساخت آن خود را به دهانه‌های قوسی به کمک اجر محدود نمود (سلیمانی، ۱۳۷۸: ۲۲۷). به‌طور مثال قرآن که کلام الهی است دارای دو جنبه‌ی ظاهری و باطنی است. حتی اگر ظاهر آن در قالب ابزارهای تکنولوژی روز قرار گیرد، از قداست باطن آن معانی والا نمی‌کاهد. بلکه با بعضی از ابزارهای تکنولوژی روز از قبیل کامپیوتر با امکانات روز، امکان ترجمه و ارسال آن به فرهنگ‌های دیگر نیز سهل‌تر شده است (رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۰۸). بنابراین با توجه به مطالعات به نظر می‌رسد با حفظ معانی و روح معنوی مساجد، تکنولوژی و پیشرفت آن خدشه‌ای به عظمت و شأن عناصر مسجد و معنای آن وارد نمی‌سازد.

دورنمای شهری

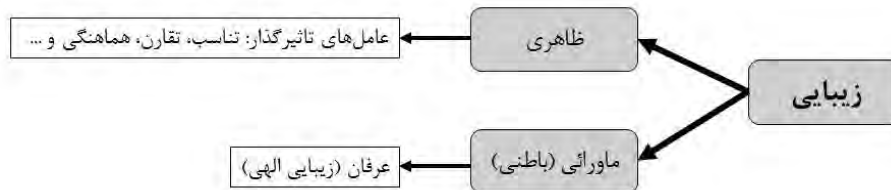
این امر در مورد مساجد و حفظ جایگاه آن در بین دیگر اندام‌های شهری نیز اهمیت می‌یابد به‌طوری‌که پیرنیا گفته است: در میان اندام‌های درون‌شهری هر شهر و روستا، محل پرستش و نیایشگاه همیشه جای ویژه‌ی خود را داشته و دارد و از اندام‌های دیگر نمایان‌تر و چشمگیرتر است. در قدیم نیایشگاه‌ها، چون بزرگ‌ترین ساختمان آبادی بوده، در آغاز نیاز به نشانی ویژه‌ای نداشته است؛ اما پس از گسترش آبادی، به‌منظور مشخص نمودن مکان نیایشگاه، نخست با افزایش درگاه‌ها و نهادن ماهرخ و توق بر بلندترین جای آن و سپس با ساختن میل و برج در کنار و نزدیک آن، مردم آبادی و رهگذران را به نیایشگاه راهنمایی می‌کردند (پیرنیا، ۱۳۹۳: ۴). نشانه‌هایی از قبیل مناره، گنبد و دیگر عناصر مسجد علاوه بر معنای قدسی، در نمای شهری نقش نشانه را به خود گرفته است و گویای مکان مسجد می‌باشند؛ مانند مناره‌ها که در ابتدا به‌عنوان نشانه بکار می‌رفته که به‌مرورزمان با به‌کارگیری آن در مساجد علاوه بر نقش راهنما، مفهومی معنوی از قبیل نمادی از عروج و حالت نمازگزار در قیام، به خود گرفته است (حسینی و کاملی، ۱۳۹۳: ۱۵۶). معماران علاوه بر تلاش بر القای روح و تقدس بر ساختار و کالبد مسجد، در راستای نقش آن به‌عنوان نشانه قرار گرفتن در محیط اطراف نیز تلاش نموده‌اند. به‌طور کل نشانه قرار گرفتن عناصر مسجد در دورنمای شهری توسط معماران با مفاهیم و صورت‌های فرمی گوناگونی بکار رفته است.

زیبایی

زیبایی از عامل‌های دیگر تأثیرگذار بر فرم مساجد است. مسجد به‌عنوان عبادتگاه مسلمانان در طول تاریخ از تحول و پویایی در کالبد و محتوی برخوردار بوده است. سلیمانی ریشه و دلایل این امر را حس پرستش موجود در فطرت آدمی و همچنین حس زیبایی دوستی در افراد می‌داند (سلیمانی، ۱۳۷۸: ۲۲۳). زیبایی علاوه بر تحقق ارمان هنر اسلامی-زیباتر کردن تشریفات دینی - می‌تواند انسان را به زیبایی آن جهان رهنمون سازد که در این صورت به این نیاز فطری بشر که لزوم زیبایی در جهان برین است، پاسخ داده می‌شود. همچنان که در جان کودکان اشتیاقی بر تقلید رفتار پدران و مادران موج می‌زند و نیز در جان نوآموزان و دانش‌پژوهان اشتیاقی در تقلید افعال استادان، میل و اشتیاقی ما به زیبایی این جهان نیز خود نمایانگر تمایل نفس ما به زیبایی آن جهان است (بلخاری، ۱۳۸۸: ۱۵۸). مسجد جلوه‌ای از زیبایی بصری و نمونه بارزی از تلفیق فرم با ارزش‌های زیربنایی یک فرهنگ است؛ چراکه معماران از زمان‌های گذشته سعی داشتند برای زیبایی‌هایی که در اطراف خود می‌بینند در مساجد جایی پیدا کنند. معماری مسجد بدون زیبایی، کالبدی بدون روح و خالی از جاذبه است؛ زیرا زیبایی صفت ذات ربوبی است و مسجد مکانی برای نزدیک شدن به خالق زیباست. واضح است که چنین فضایی برای درک خالق زیبای خود نیازمند زیبایی است (نقدی دورباطی و مرادی، ۱۳۹۲: ۱۳۹۲).

^۱ مهم‌ترین فعالیت‌های مسجد از نظر نمازگزاران نماز جماعت، فعالیت‌های جانبی و گفتگو و معاشرت با دیگران است. این فعالیت‌ها با افزایش تعاملات اجتماعی موجب تقویت حس مکان می‌شوند (فلاح، ۱۳۸۴: ۴۱).

«ارسطو زیبایی را اندازه، نظم، تناسب، هماهنگی و تقارن از یکسو و مفید بودن و درخور بودن از سوی دیگر می‌دانست» (بلخاری، ۱۳۸۸: ۱۵۶). همچنین در تمدن اسلامی، «ابن سینا» زیبایی را مشتمل بر نظم، ترکیب‌بندی و اعتدال می‌دانست و معتقد بود در نفس حیوانی، عشق به زیبایی، غریزی است، درحالی‌که در نفس عقلانی، عشق به زیبایی، عقلانی است و نهایت، بر درک قرب به معشوق استوار است» (همان، ۱۳۸۸: ۱۵۶)؛ بنابراین زیبایی همواره به‌منزله‌ی یکی از ابعاد مهم هنر و معماری در طول تاریخ مطرح بوده است. همچنین مسجد اولین جایگاه تجلی هنر اسلامی است و هنر به‌کاررفته در آن، گواه این مطلب است که جذابیت این اماکن مقدس در گرو زیبایی اجزا و عناصر داخلی و بیرونی آن است. از آنجاکه هر پیامی را نمی‌توان در هر قالب و به هر شکلی بیان کرد، بنابراین ابلاغ سخن مکتب نیز فضا و بستر مناسبی را می‌طلبد که در پرتو آن بتوان با بهره‌گیری از سبک‌ها و قالب‌های گوناگون هنری، به بیان آموزه‌های دینی پرداخت (دریالعل، ۱۳۹۳: ۱۳۹۳)؛ زیبایی امری است که علاوه بر رعایت تناسب، نظم، هماهنگی و... باید درخور اعمال دینی ما باشد و در معماری اسلامی منجر به درک و تقرب به معشوق گردد. همان‌طور که فلوطین ضمن پذیرش تناسب و تقارن، ماهیت زیبایی را به عوالمی فراتر از عالم ماده می‌کشاند و زیبایی محسوس را بازتاب زیبایی معقول می‌داند (بلخاری، ۱۳۸۸: ۱۵۸)؛ افلاطون نیز زیبایی معقول را اشاره و رمز تمثیلی برای رسیدن به حقیقتی معنوی می‌داند (حجازی و مهدی زاده سراج، ۱۳۹۳: ۹)؛ بنابراین زیبایی در مواقعی صورتی معقول در شیء می‌گردد که علاوه بر تناسب، گویای عالمی فراتر از عالم ماده باشد و صفاتی از زیبایی آن جهان را در خود نمودار سازد.



شکل ۲- دیدگاه‌های مختلف زیبایی در فرم معماری مساجد (مآخذ: نگارندگان)

با توجه به مواردی که گفته شد، زیبایی از دو سو بر فرم مساجد تأثیرگذار است یکی ناشی از ذوق و احساس زیبایی شناسانه‌ی هنرمند و دیگری ریشه در مبانی نظری و شهودی هنرمند دارد که ماهیت زیبایی را به عوالمی فراتر از عالم ماده می‌کشاند. در فرم مساجد به‌منظور بروز احساس زیبایی، در بعد اول باید به مفاهیم پایه در معماری مانند عامل‌های تناسب، تقارن، هماهنگی و دیگر مواردی که کمک به احساس زیبایی شناسانه می‌کند بپردازیم و به‌منظور تحقق بعد دوم زیبایی در هنرهای اسلامی، به عامل عرفان^۱ پرداخته می‌شود. عرفان موجود در آثار هنرهای اسلامی به زیبایی الهی در آن آثار منجر می‌گردد؛ در ادامه به عرفان نیز به‌عنوان عامل دیگر تحقق زیبایی و تأثیرگذار بر فرم مساجد، پرداخته می‌شود و عواملی که در تحقق عرفان مؤثر هستند، موردبررسی قرار می‌گیرد.

عرفان

همان‌طور که چهره‌ی ظاهری اسلام اجرای اعمال و شرایع اسلامی و چهره‌ی درونی آن دریافت حقایق و ژرف‌نگری است؛ عرفان نیز همان درون‌نگری اسلامی است به‌شرط آنکه کمال را در نظر داشته باشیم. خرد کمال عرفان و پاسخگوی درون به نخستین اصول نظمی اسلام، همان «شهادت دادن» به یگانگی خدا است. عرفان تنها از طریق خرد پاسخگوی درونی به یگانگی خداوند است. به این معنا که از طریق تفکر در آثار هنرهای اسلامی می‌توان به عرفانی که بیان‌کننده‌ی یگانگی خداست، پی برد. به این منظور که هرگاه هنر و تفکر باهم قرین شود، عرفان در آنجاست؛ که هدف نهایی آن زیبایی الهی است. پس در این صورت گفته می‌شود که هنر اسلامی سنت پرداختن به دل و درون است. در نتیجه از آنجا که هدف هنر، زیبایی شکل و هدف تفکر، به درون نگریستن و زیبایی ماورای شکل است؛ اگر هنر با تفکر اسلامی عجین شود، می‌توان از طریق هنر به حقیقت مطلق، یگانگی خداوند، دست‌یافت که باعث زیاتر شدن اثر هنری می‌گردد. در این صورت عرفان در آثار هنری، همان تفکر اسلامی در بطن اثر هنری است که به زیاتر شدن آن منجر می‌گردد و به عقیده‌ی بورکهارت اگر پیوند هنر و تفکر اسلامی (عرفان) به وقوع نپیوندد، زیبایی در آثار هنری را صرفاً همان هدف زیبایی‌شناسی می‌دانند که امری کاملاً فردی و متغیر است (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۲۰۵). عرفان در آثار هنری همان حکمت معماری اسلامی است. حکمت و معماری مذهبی در این است که «اگر انسان به‌سوی ادراک مفاهیم جاودان الهی حرکت نماید یا کوشش کند آموزه‌های معنوی را در بناهای خویش مورداستفاده قرار دهد، به‌صورت ناخودآگاه تمامی نیازهای فیزیکی و مادی او نیز برطرف می‌شود.» (مهدوی نژاد، ۱۳۸۳: ۶۴). بر این اساس در معماری اسلامی ابتدا نیازهای معنوی پاسخ داده می‌شود و همین پاسخ‌ها نیازهای فیزیکی و عملکردی بنا را جوابگو خواهند بود. به‌طوری‌که عناصر فرمی مساجد را دارای روحی از تقدس و پاسخ معنوی معمار به بنای مسجد می‌دانند که منجر به رفع نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها شده است و شاهکارهای عظیمی را در معماری اسلامی به وجود آورده است و بناهایی مادی با مفاهیم عمیق معنوی ساخته می‌شود.

عرفانی که تاکنون از آن صحبت شد به‌گونه‌ای در هنرهای اسلامی تجلی‌یافته که کشف آن مستلزم تفکر و تعمق در هنر اسلامی است. به این دلیل است که بورکهارت خرد را پاسخگویی برای عرفان در هنرهای اسلامی دانسته است؛ اما در مورد بکارگیری عرفان، بلخاری کلمه‌ی «همت» را مطرح نموده است که رابطه‌ی میان عرفان و هنر اسلامی می‌باشد؛ که همت، توان عارف در خلق صور یا آفرینش گری صورت‌هاست. عارف، قادر به صعود حضرات والا و ادراک صور متعالی و ضبط و حفظ آن‌هاست و همچنین قدرت اظهار و افشا را نیز دارد به این منظور که قادر است صور متعالی را که درک نموده، خلق نماید و صورتی از صور حضرات بالاتر را در عالم جسم به منصفی ظهور برساند^۲ (بلخاری قهی، ۱۳۹۰: ۳۱۷ و ۳۲۰). به‌این ترتیب با رمزگشایی و تعمق در هنرهای اسلامی می‌توان به کشف ریشه‌های متعالی آن‌ها پی برد.

۱. عاملی که باوجود آن زیبایی، اشاره و رمزی تمثیلی برای رسیدن به حقیقتی معنوی می‌گردد.

۲. به‌این ترتیب است که بلخاری اثبات نموده که عارف با تصفیه‌ی دل به عوالم فراتر از حس گذر کرده است و صور متعالی را نظاره نموده و در بازگشت به عالم حس آن‌ها را خلق مجدد می‌نماید. (بلخاری قهی، ۱۳۹۰: ۳۱۷).

معنا در معماری لازمه‌ی شکل‌گیری فرم است. گرایش به معنا و رمزگرایی در معماری اسلامی، به دلیل نگرش خاص این معماری به عالم هستی است. این معماری از یک سو با قواعد آسمانی و از سوی دیگر با صور زمینی پیوندی عمیق می‌یابد. بر این اساس صورت‌ها در معماری اسلامی جایگاه خاصی دارند و هر فرم و صورتی در معماری اسلامی بخصوص معماری مساجد نمی‌تواند حامل مفاهیم متعالی گردد (حجازی و مهدی زاده سراج، ۱۳۹۳: ۹). همچنین عبادتگاه‌ها، تنها مکان و ابزاری برای عبادت بوده و نمی‌تواند به عمل، قداست بخشد. بلکه بایستی مفهومی قدسی وجود داشته باشد که در کنار و میان دیگر مفاهیم، واقع شوند (رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵: ۱۰۵). قداست مفهومی مستتر در هنر و معماری اسلامی است که باید در عناصر معماری مسجد عینیت یابند؛ عواملی که مؤثر در ایجاد تقدس و خلق فرم‌های حامل معنا و مفاهیم عرفانی مسجد است- که منجر به عرفان و در نتیجه تعمق و تفکر در معماری مساجد می‌گردند- علاوه بر معانی و مفاهیم قدسی؛ دو عنصر نور و رنگ و همچنین عواملی مانند خوشنویسی، هندسه مقدس، ریاضیات مقدس، اعداد و نوع حضور آب و... است که به معماری اسلامی معانی رمزی خاصی می‌دهند تا یاریگر تجلی معنا در هنر اسلامی باشند. حضور عناصر یادشده نسبت به وجه معنوی و اعتقادی معماری در جامعه‌ی مسلمانان تأکیدی دوچندان دارد (حجازی و مهدی زاده سراج، ۱۳۹۳: ۹ و ۱۰)؛ که منجر به قداست در فرم معماری مساجد می‌گردند. به‌طور کل می‌توان عوامل ایجادکننده‌ی عرفان را به دو دسته‌ی زیر تقسیم نمود (قلی‌زاده، وحیدی و فاروقی، ۱۴۰۰: ۱-۱) معنا و مفاهیم قدسی در عناصر فرمی مساجد ۲- عناصر تجلی‌کننده قداست و یاری‌کننده معنا و مفاهیم عرفانی (قدسی) در مساجد. بنابراین معماری مساجد که اوج معماری اسلامی و دینی است، می‌بایست نمودی از تجلیات خالق خود را در بطن عناصر مذهبی خود انتزاع و تجلی نماید؛ که قایم به ذات متعال بودن معماری در مساجد به شکوه خود برسد.

سایت و اقلیم

هنر معماری به مقدار زیادی تحت تأثیر عوامل جغرافیایی و اقلیمی است. چنانکه می‌بینیم بناهایی که در مناطق کوهستانی و ارتفاعات و سواحل دریاها و نواحی مرطوب و جنگلی ساخته می‌شوند، اساساً با بناهای مناطق گرم و نواحی خشک تفاوت دارد حتی نوع مصالحی که در ساختمان‌ها به کار می‌رود با توجه به طبیعت هر منطقه در دسترس قرار می‌گیرد. خصوصیات متنوع و گسترده اقلیمی جهان نیز به همین اندازه بر معماری اسلامی تأثیر داشته‌اند. تأثیر صحرا و کویر و گرمای آن‌ها، بارندگی نادر و کمبود آب را در بسیاری از مساجد بزرگ می‌توان حس کرد (حسنقلی نژاد یاسوری و صارمی نایینی، ۱۳۹۴). اگرچه شرایط اقلیمی نمی‌توانست مانند سایر ساختمان‌ها به‌طور اساسی و تعیین‌کننده در شکل و نحوه استقرار مساجد تأثیر داشته باشد^۱؛ اما در چارچوب ضوابط مذهبی و گاهی سیاسی نیز در چهار اقلیم مختلف ایران، کالبد مسجد با اقلیم هر منطقه تا حد ممکن تطبیق داده‌شده تا نیازهای آسایشی انسان در داخل مسجد فراهم گردد (قبادیان، ۱۳۸۷: ۲۰۹). تأثیر سایت با ساختمان مسجد بدین گونه است که کالبد فیزیکی مسجد در کلیه‌ی نقاط مختلف جهان دارای یک سری مشخصه‌های خاص از قبیل استقرار در جهت روبه‌قبله، قرار گرفتن محراب در سمت قبله به‌عنوان مرکز توجه و اغلب بر روی محور اصلی مسجد و مجزا بودن فضای داخل مسجد از محیط اطراف، خصوصاً از لحاظ منظر می‌باشد^۲ (قبادیان، ۱۳۸۷: ۲۰۷). رابطه‌ی تأثیر سایت و ضوابط طراحی مسجد با توجه به سایت را می‌توان با مثالی از مسجد شیخ لطف‌الله بیان کرد. از ویژگی‌های این مسجد، چرخش ۴۵ درجه‌ای است که از محور شمال به جنوب نسبت به محور قبله دارد. این گردش چنان ماهرانه صورت گرفته که توجه بیننده را جلب می‌کند. این چرخش باعث شده تا بازدیدکننده پس از گذشتن از مدخل تاریک و بعد از عبور از راهرو طویل متصل به آن، وارد فضای اصلی و محوطه زیر گنبد شود. به عقیده‌ی بورکهارت «معماری که با چنین تغییر جهتی روبرو گشته بود دریافت که چگونه از این امر حداکثر بهره‌گیری کند و با تغییر زاویه‌ای از بیرون به درون مشکل را با چابکی و مهارت حل کرد.» (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۷۸). این امر موجب درخشش معماری آن گردید.

یافته‌ها

عواملی که تاکنون بدان اشاره شد، اعم از عوامل تاریخی، فرهنگی، انسانی، اقتصادی، اقلیمی و محتوایی، بر فرم مساجد تأثیرگذار بوده که به‌مرور زمان فرم مساجد شکل گرفته بر اثر این عوامل، به هویتی از مسجد تبدیل شده است. تاکنون مطالعه آن منجر به استخراج مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرم معماری مساجد گردید که می‌توان با استفاده از پرسشنامه مستخرج از مؤلفه‌های یادشده، به طراحی متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان دست‌یافت که منجر به نوآوری در معماری مساجد امروزی گردد.

جدول ۱- تلخیص آیت‌های مستخرج از مطالعات ۳ (مآخذ: نگارندگان)

جدول متغیرهای پژوهش		
شماره	عوامل تأثیرگذار بر فرم مساجد	زیرمجموعه‌ی عامل‌های تأثیرگذار
۱	روح هنرمند یا طراح	انسان‌شناسی طراح، محیط‌شناسی طراح، آفرینندگی طراح
۲	فرهنگ جامعه؛ روح تاریخی	پیشینه‌ی تاریخی (میراث نژادی)، مکان‌بند و وجود آمده از پیشینه‌ی تاریخی (معماری بومی، معماری بوم‌گرا، معماری سنت‌گرا، معماری سنتی)، اوضاع اجتماعی زمان حال (متأثر از فرهنگ جهانی و پیشینه‌ی تاریخی خود / در عین تعلق داشتن به گذشته باید نوآوری متناسب با ساخته‌های جهانی به وجود آید)
۳	فرهنگ جامعه؛ پاسخ به نیازهای انسانی	احساس تعلق، نوستالژی، نشانه‌ها، فعالیت‌ها، طرح معماری، لزوم به نوآوری
۴	پیشرفت جوامع مسلمین	ابزار تولید، زیربنای اقتصادی، نظام ساخت و فناوری، مصالح و قابلیت‌های آن، پیشرفت متخصصان و هنرمندان و توان علمی آنان، پیشرفت ابزارهای تکنولوژی روز
۵	سایت و اقلیم	تأثیر شرایط اقلیمی بر فرم مساجد، تأثیر محدودیت‌های موجود در سایت بر فرم مساجد
۶	دورنمای شهری	حفظ جایگاه مسجد در بین دیگر اندام‌های شهری، نقش نشانه‌ای مسجد توسط اندام‌هایی مثل مناره، گنبد و...

۱. در طراحی ساختمان مسجد، عوامل دیگر از قبیل عوامل مذهبی، سیاسی و تاریخی، اهمیت بیشتری از شرایط اقلیمی داشته‌اند.
۲. مساجد جامع از نظر هویت شهری، قومی و یا سیاسی غالباً جزء بلندترین و زیباترین و در مواردی وسیع‌ترین ساختمان شهر محسوب می‌شود.
۳. مطالعات ناشی از برداشت نظرات متخصصین و همچنین مطالعات ناشی از پژوهش‌های انجام‌شده جهت برداشت متغیرهای پژوهش.

۷	زیبایی	اندازه، نظم، تناسب، هماهنگی، تقارن، مفید و درخور بودن، ترکیب‌بندی، اعتدال، تقارن، زیبایی معقول توسط اشاره و رمز تمثیلی برای رسیدن به حقیقتی معنوی (عرفان)
۸	عرفان	معنا و مفاهیم الهی، معنای اجزای مساجد (مناره، گنبد و...)، نماد شناسی طرح معماری مساجد (مربع نماد زمینی، دایره نماد آسمانی و...)، هندسه، نور، رنگ، آب، ارتفاع، بهره‌گیری از عناصر طبیعت، انعکاس پیام خلوص شفافیت، وجود تعادل به معنای عدالت الهی، سلسله‌مراتب، وحدت

جدول فوق خلاصه‌ای از روند مطالعات ناشی از بررسی عوامل تأثیرگذار بر فرم مساجد می‌باشند. متغیرهای مستخرج از مطالعات پژوهش حاضر در جدول فوق، به‌عنوان عامل‌های اصلی در طول تاریخ مدنیت، شکل و فضای معماری مسجد را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. عوامل مذکور علاوه بر توجه به‌ظاهر، به باطن و محتوای اشکال مساجد نیز توجه می‌نماید؛ بر این اساس تنها به اشکال و صور ظاهری معماری مساجد محدود نمی‌گردد.

عامل‌هایی از قبیل روح هنرمند یا طراح، توجه به فرهنگ و پاسخگو بودن آن به نیازهای انسانی، تکنولوژی و پیشرفت‌های ساخت‌وساز و مصالح، زیبایی ظاهری و زیبایی باطنی (عرفان آثار هنر اسلامی)، تناسب و دورنماها در مناظر شهری در طرح معماری مساجد تأثیرگذار بوده است و توجه طراحان به این موارد از اهمیت بسزایی برخوردار است.

تحلیل یافته‌ها

در این تحقیق به بررسی پارامترهای تأثیرگذار بر فرم معماری مساجد گذشته و تطبیق این شاخصه‌ها در طراحی مساجد امروزی پرداخته شد. روح هنرمند یا طراح یکی از عوامل تأثیرگذار در معماری مساجد است که با توجه به اعتقاد و باور طراح، معماری مساجد فرم می‌گیرد. همچنین توجه به فرهنگ جامعه نیز منجر می‌گردد فرم و اشکال معماری علاوه بر روح تاریخی؛ پاسخگوی نیازهای جامعه‌ی عصر خود باشد. معماری که متناسب با فرهنگ جامعه باشد پاسخگوی مناسبی به زمان و مکان خود است. شناخت سبک‌ها و مکاتب مختلف در طول تاریخ و چگونگی پیدایش آن‌ها، همچنین شناخت نیازهای انسانی کاربران مساجد، می‌تواند در پاسخگو بودن طراحی با توجه به فرهنگ جامعه مؤثر واقع گردد. از شاخصه‌های تأثیرگذار دیگر، پیشرفت جوامع مسلمین است که به فناوری ساخت، مصالح و عامل اقتصادی توجه می‌گردد، با توجه به مطالعات انجام‌شده، پیشرفت تکنولوژی خدش‌های به عظمت و شأن عناصر مسجد و معنای آن وارد نمی‌سازد. شاخصه دیگر، نشانه قرار گرفتن عناصر مسجد در دورنمای شهری است که توسط معماران با مفاهیم و صورت‌های فرمی گوناگونی بکار رفته و در طراحی فرم مساجد تأثیرگذار است. مبحث زیبایی در دو وجه ظاهری و باطنی بر معماری مسجد مؤثر است؛ از این‌رو زیبایی در معماری مساجد علاوه بر ویژگی‌های ظاهری (تناسبات، تعادل و...)، گویای عالمی فراتر از عالم ماده است و صفاتی از زیبایی آن جهان را در خود نمودار می‌سازد. عرفان در معماری مساجد همان وجه باطنی زیبایی است که در واقع به جلوه درآوردن زیبایی‌ها و قائم‌به‌ذات بودن حق در معماری مساجد همواره مورد توجه طراحان قرار می‌گیرد و بر فرم مساجد تأثیرگذار است. همچنین دیگر نکته حائز اهمیت سایت و اقلیم موردنظر است. اگرچه شرایط اقلیمی نمی‌تواند در شکل‌گیری مساجد نقش تعیین‌کننده و اساسی داشته باشد؛ اما همواره محوریت مسجد متناسب با جهت قبله و توجه به نیاز آسایشی انسان در اقلیم‌های مختلف در شکل‌گیری کالبد مساجد مؤثر بوده است.

این شاخصه‌ها تحت تأثیر زمان و مکان قابل تغییر بوده و تنها مفاهیم و معانی عرفانی در باطن عناصر مساجد ثابت است. از آنجایی که روح و جوهر فضاهای سنتی، ابداع، نوآوری و خلاقیت طراحان آن‌هاست که روح زمانه را در عناصری که از گذشته به عاریت گرفته‌اند، دمیده‌اند و اثری متمایز از گذشته خلق کرده‌اند؛ در طراحی مسجد می‌توان تغییراتی متناسب با روح زمانه و فرهنگ ساکنان هر ناحیه ایجاد نمود. در این صورت علاوه بر ایجاد نوآوری و خلاقیت؛ پذیرش مسجد طراحی‌شده توسط ساکنان را نیز در بردارد.

نتیجه‌گیری

هر تغییر در معنای عام آن برخاسته از دانش و آگاهی است، با توجه به سیر صعودی دانش بشری، پذیرفتن تغییر برای جامعه امروزی اصلی تردیدناپذیر است. اصلی که غفلت از آن در سبک معماری مساجد باعث تکرار فرم‌های خسته‌کننده‌ی آشنا در این بناها شده است (دریالعل، ۱۳۹۵: ۱۰). اگرچه آنچه موجب احیای مساجد منطبق با نیازهای امروز می‌شود رهایی طراحان از بند کلیشه‌ها و ظواهر و عناصر گذشته است؛ اما میزان این رهایی در هر جامعه‌ای متناسب با فرهنگ و نگرش مردم آن است. قشر متخصص توانسته خود را از این قیدوبندهای عناصر رها کند، اما مردم جامعه با توجه به احساس تعلق و نوستالژی و ... هنوز نتوانسته‌اند این تغییر را به یک‌باره پذیرا باشند؛ و میزان پذیرش تغییر و نوآوری در هر جامعه‌ای متفاوت است. هدف از ساخت مساجد با استفاده از الگوهای معماری، چه سنتی و چه مدرن، جذب مردم به این مکان‌ها برای عبادت‌های جمعی و سایر کارکردهای مساجد است. نباید مساجد فقط بر اساس طرحی ثابت ساخته می‌شوند تا نشان داده شود که اینجا مسجدی بنا شده است؛ درحالی‌که به هدف اصلی ساخت مساجد که جذب مؤمنان و وحدت آنان است توجهی نداشته باشد. پژوهش حاضر که با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیقات تاریخی - تفسیری را دستور کار خود قرار داده است، اطلاعات موردنظر به‌صورت اسنادی - کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده است. نتایج حاکی از آن است که عوامل تأثیرگذار بر فرم مساجد اعم از عوامل تاریخی، فرهنگی، انسانی، اقتصادی، اقلیمی و محتوایی، به‌مرور زمان به هویتی از مسجد تبدیل شده است. به‌کارگیری قالبی نو با تغییراتی محدود و نسبی در عناصر نمادین اصلی مسجد به‌منظور تأکیدی بیشتر بر تجلی مفاهیم با دوری جستن از تقلید ظاهری، علاوه بر اینکه خدش‌های بر پذیرش مسجد توسط ساکنان ایجاد نمی‌کند بلکه با تغییرات به وجود آمده، ساکنان را دعوت به تفکر در تغییرات ایجادشده می‌نماید که این امر بخصوص در قشر جوان و ترغیب آنان به مسجد بسیار مؤثر است. همچنین به‌کارگیری معانی و مفاهیم در عناصر و تزئینات موجود در مساجد در قالب عناصری نو، منجر به رهایی از ظواهر و کلیشه‌ها می‌گردد؛ اما میزان نوآوری در عناصر باید محدود و با توجه به نیاز ساکنان محلات باشد. در پایان امید می‌رود یافته‌های پژوهش گامی مؤثر در درک بهتر معماران ایرانی در روند طراحی مسجدی اسلامی متناسب با روح زمانه و نیازهای جامعه داشته باشد و راه را برای تداوم کیفیات معماری مساجد به‌دوراز تقلید ظاهری، هموار سازد.

مراجع

۱. ایرانمنش، م. (۱۳۷۸). نقد اصول گرایانه‌ی شیوه‌های نگرش به معماری مسجد. در مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده (ص. ۵۵-۷۲). تهران: دانشگاه هنر.
۲. ایمان طلب، ح؛ و گرامی، س. (۱۳۹۱، بهار - تابستان). نسبت معنا و شکل، تطابق اندیشه‌ی معماری مسجد و فرم شناسی نماز. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ۷۷-۸۷.
۳. بلخاری قهی، ح. (۱۳۹۰). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. تهران: سوره‌ی مهر.
۴. بلخاری، ح. (۱۳۸۸). هندسه‌ی خیال و زیبایی (پژوهشی در آرای اخوان‌الرضا درباره‌ی حکمت هنر و زیبایی). تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. موسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
۵. بمانیان، م؛ و امینی، م. (۱۳۹۰، پاییز). بررسی شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری تعادل در معماری مسلمانان (نمونه موردی: مسجد جامع اصفهان). شهر ایرانی اسلامی، ۲۷-۱۷.
۶. بوركهارت، ت. (۱۳۶۵). هنر اسلامی؛ زبان و بیان. (م. رجب‌نیا، مترجم) تهران: سروش.
۷. پوستین‌دوز، م. (۱۳۷۴). چگونگی معماری الهی. کیوان.
۸. پیرنیا، ک. (۱۳۹۳). مساجد. در م. کیانی، معماری ایران، دوره اسلامی (ص. ۴-۵۷). تهران: سمت.
۹. حجازی، م؛ و مهدیزاده سراج، ف. (۱۳۹۳، بهار). رابطه معنا، زیبایی، شکل و سازه در معماری دوران اسلامی. فصلنامه علمی-پژوهشی/ پژوهش‌های معماری اسلامی، ۲۲-۷.
۱۰. حسنقلی نژاد یاسوری، ک؛ و صارمی نایینی، د. (۱۳۹۴، بهمن). بررسی و نحوه تأثیر اقلیم در سه مسجد مهم دوره تیموریان (مسجد کیود تبریز، مسجد جامع گوهرشاد، مسجد جامع یزد). همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران.
۱۱. حسینی، س؛ و کاملی، م. (۱۳۹۳، بهار). تأثیر عناصر کالبدی معماری مساجد سنتی و مدرن ایران بر ذهن کودکان. پژوهش‌های معماری اسلامی/ فصلنامه علمی-پژوهشی، ۱۴۷-۱۶۰.
۱۲. حق طلب، ط؛ و کاروان، ف. (۱۳۹۱، پاییز). مسجد تجلی‌گاه معماری قدسی. هفت حصار، ۲۱-۲۸.
۱۳. دریالعل، م. (۱۳۹۳، تیر ۲۵). معماری مسجد خانه‌ی امن. تهران: متن زندگی، ویژه‌نامه‌ی سبک زندگی. بازیابی از www.MatneZendegi.ir
۱۴. رضازاده، ر. (۱۳۸۳). بررسی نقش معماری در تداعی معانی و انتقال مفاهیم/ معماری مسجد: سنتی یا نوآورانه. نشریه‌ی هنرهای زیبا، ۳۷-۴۸.
۱۵. رهبرنیا، ز؛ و رهنورد، ز. (۱۳۸۵). مواجهه هنر قدسی با تکنولوژی. نشریه‌ی هنرهای زیبا، ۱۰۱-۱۰۸.
۱۶. سرتپی پور، م. (۱۳۸۷). بن‌مایه‌های هنر اسلامی در اندیشه‌ی تیتوس بوركهارت. نشریه‌ی صفا، دوره‌ی ۱۷، ۹۱-۱۰۰.
۱۷. سلیمانی، م. (۱۳۷۸). انتزاع‌نگری در مساجد ایران. در کارگروهی، م. قره‌چمنی (تدوین)، مجموعه مقالات همایش مسجد: گذشته، حال، آینده (ص. ۲۲۳-۲۳۸). تهران: دانشگاه هنر.
۱۸. فلاحت، م. (۱۳۸۴، تابستان). نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد. نشریه‌ی هنرهای زیبا، ۳۵-۴۲.
۱۹. قبادیان، و. (۱۳۸۷). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. قلیزاده، ف. وحیدی، ط؛ و فاروقی، م. (۱۴۰۰). جستاری در مفاهیم عرفانی و معانی رمزی در عناصر فرمی معماری مساجد ایران. کنفرانس ملی معماری، عمران و شهرسازی و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۲۱. کاظمی، س؛ و کلانتری خلیل‌آباد، ح. (۱۳۹۰، زمستان). ابزارهای پیام‌رسانی معنوی در معماری مسجد با تأکید بر نقش ایدئولوژی اسلامی. فصلنامه علمی-پژوهشی شهر ایرانی اسلامی، ۴۱-۴۶.
۲۲. لیندا گروت و دیوید وانگ. (۱۳۹۸). روش‌های تحقیق در معماری. (ع. عینی فر، مترجم) تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. مجتهد زاده، ر؛ و نام‌آور، ز. (بدون تاریخ). مساجد معاصر و احیای هویت قدسی. صفا، ۳۲-۲۱.
۲۴. محمدیان منصور، ص. (۱۳۸۶، بهار). سلسله‌مراتب محرمیت در مساجد ایرانی. نشریه‌ی هنرهای زیبا، ۶۸-۵۹.
۲۵. مهدوی نژاد، م. (۱۳۸۱، زمستان). هنر اسلامی؛ در چالش مفاهیم معاصر و افق‌های جدید. نشریه‌ی هنرهای زیبا، ۲۳-۳۲.
۲۶. مهدوی نژاد، م. (۱۳۸۳، پاییز). حکمت معماری اسلامی؛ جستجو در ژرف‌ساخت‌های معنوی معماری اسلامی ایران. نشریه‌ی هنرهای زیبا، ۵۷-۶۶.
۲۷. نظیف، ح. (۱۳۹۲، بهار). پایداری اندام‌های معماری ایرانی در گذار از دوران اسلامی. باغ نظر، ۶۸-۵۷.
۲۸. نقدی دورباطی، ز؛ و مرادی، ا. (۱۳۹۲). زیباشناسی در معماری با نگرش به مسجد امام اصفهان. اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار (ص. ۱۲ صفحه). سیویلیکا.
۲۹. نوحی، ح. (۱۳۸۸). تأملات در هنر و معماری. تهران: گنج هنر.